خبر

صدور انقلاب صدور اندیشه بود نه اسلحه

• **جماران:** حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در مراسم بزرگداشت مرجع عالی‌قدر شیعه آیت‌الله‌العظمی محقق‌کابلی(ره) در حرم مطهر امام خمینی(س)، گفت: صدور انقلاب به معنای صدور اسلحه نبود، بلکه به معنای یک گفتمان و اندیشه بود که محدود به مرز یا ملت و جغرافیای واحد نبود. یادگار امام با اشاره به فراگیربودن گفتمان انقلاب اسلامی، گفت: امروز جوانان ایران، افغانستان، لبنان، سوریه و... خواب بیگانگان در به‌هم‌ریختن منطقه ما را آشفته کرده‌اند و قابلیت دارند که جبهه مقاومت را فراتر از مرزهای یک منطقه خاص در دل تک تک مردم زنده کنند. حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در مراسم بزرگداشت مرجع عالی‌قدر شیعه آیت‌الله‌العظمی محقق‌کابلی، با بیان اینکه یکی از پیام‌های بزرگ امام محدودنماندن انقلاب در مرزهای جغرافیایی بود، اظهار کرد: صدور انقلاب به معنای صدور اسلحه نبود، بلکه به معنای یک گفتمان و اندیشه بود که محدود به مرز یا ملت و جغرافیای واحد نبود. وی افزود: این پیام انقلاب به شهادت تمام کسانی که تاریخ را ورق می‌زنند، در یکی از کشورها که بسیار خوب شنیده شد و با اعماق جان مردم گره خورد، در فضای مؤمنان کشور افغانستان بود. یادگار امام با اشاره به نقش تأثیرگذار امام در پیروزی ملت افغانستان، افزود: اگر زبان و حکایت درستی وجود داشت، تاریخ مبارزات ملت‌ها را پس از امثال ویتنام باید برای ملت افغانستان می‌نوشت که یکی از عوامل پیدایش این افتخار، پیوند مردم افغانستان با امام بود. یادگار امام با اشاره به حضور خالصانه روحانیون و مردم افغانستان از جمله آیت‌الله محقق‌کابلی در کنار امام، گفت: امروز اگر جهان اسلام آبستن هر حادثه‌ای باشد و هر دشمنی و نابخردی که باشد، یکی از عواملی که می‌تواند مقابل ظلم جهان‌خواران و ارتجاع بایستد، همین تفکری است که مرز نمی‌شناسد. وی افزود: توانمندی جوانان افغان در دفاع از حریم اهل بیت(ع) نشان می‌دهد جهان اسلام فراتر از یک جغرافیاست و این پیام امام است؛ پیام امام این بود که همه یک ملت هستیم. وی با گرامیداشت یاد شهدای این مسیر، گفت: خودتان را دست‌کم نگیرید. باید در تمام رشته‌های علمی فعالیت کنید و حضور موفق شما در حوزه‌های علمیه باید به سایر علوم گسترش یابد.

ارجاع حقوق شهروندی به معاونت حقوقی

• **ایسنا:** معاون پارلمانی رئیس‌جمهور گفت: مسئولیت حقوق شهروندی به‌صورت موقت به معاونت حقوقی ارجاع شده تا کار روی زمین نماند. لعیا جنیدی با اشاره به گذشت زمان و عدم ارجاع مسئولیت حقوق شهروندی اظهار کرد: این مسئولیت به‌صورت موقت به معاونت حقوقی ارجاع شده تا کار روی زمین نماند. در این مدت هم کارها پیگیری و گزارش آن به رئیس‌جمهور داده شده است. وی ادامه داد: لازم بود این کار را جدی بگیریم. دیدگاه من این است که حقوق شهروندی اصیل‌ترین حوزه است. جنیدی افزود: دولت در مبنای عام کلمه و این ساختار عریض و طویل کارکردی جز فراهم‌کردن این حقوق ندارد. هدف از کارهای دولت این است که موقعیتی ایجاد کند برای فراهم‌کردن حقوق مادی و معنوی مردم برای رشد و شکوفایی تا مردم احساس رضایت خاطر داشته باشند. وی خاطرنشان کرد: من بارها گفته‌ام این دستگاه عریض و طویل برای مردم به هزینه‌اش نمی‌ارزد. ما همه از صبح تا شب درگیر هستیم که اگر برای محقق‌کردن این حقوق تلاش کنیم خوب است در غیر این‌صورت هزینه برای مردم و زحمت برای ما نمی‌ارزد. ما می‌خواهیم تلاش دولت را معنی‌دار کنیم. جنیدی در ادامه گفت: دستگاه‌های اجرائی باید بدانند تأمین احساس امنیت مردم نخستین وظیفه آنهاست؛ دستگاه‌ها از مسیر گمراه نشوند. فلسفه وجودی همه نهادها این است. جنیدی افزود: من می‌خواهم به این اهمیت اشاره کنم و بگویم جایگاه دستیاران حقوق شهروندی برای ما مهم است و بارها هم در معاونت حقوقی در این رابطه گفت‌وگو کرده‌ایم. وی در پایان گفت: ما باید بعد از بحث در رابطه با این جایگاه نقش دولت را در اجرای این هدف بررسی کنیم.

واکنش به ورود انتخاباتی قالیباف

روایت ناکامی ائتلاف‌های اصولگرایانه

عکس: آرش میرسیاسی، باشگاه خبرنگاران جوان

شرق: جبهه‌ای که فراتر و فراگیر از جمناست اما نه نامش مشخص است و نه تفاوت‌هایش با جمنا و نه اینکه دقیقا چه کسانی عضو آن هستند. مشخص نیست اصلا اصولگرایان چه اصراری برای این جبهه‌بازی‌های یک‌بارمصرف در آستانه هر انتخابات دارند. یک‌باره و هیئتی‌وار اعلام می‌کنند یک جبهه یا ائتلاف اصولگرایانه تشکیل داده‌اند، بعد آن را به کناری می‌نهند و در آستانه انتخاباتی دیگر سراغ یک نام دیگر می‌روند. در واقع جبهه‌ها و ائتلاف‌های اصولگرایانه از بین نمی‌روند، بلکه در آستانه هر انتخاباتی، به جبهه و ائتلافی دیگر بدل می‌شوند که تنها تفاوتش با قبلی یک تغییر نام است، وگرنه آدم‌ها و کارکردها همان است که بود. بلافاصله بعد از این که محمدباقر قالیباف در یک فراخوان ویدئویی از جوانان اصولگرا خواست آتش‌به‌اختیارانه خود را برای انتخابات آتی مجلس آماده کنند و برای برهم‌زدن مناسبات فعلی با آدم‌های تکراری، آماده حضور در انتخابات شوند، حمیدرضا فولادگر، یکی از اعضای جبهه مردمی نیروهای انقلاب یا همان جمنا و عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس اعلام کرده است درحال‌حاضر حرکتی فراتر از جبهه نیروهای مردمی انقلاب اسلامی (جمنا) شروع شده است. او بدون توضیح مشخصی گفته است تشکل‌های سنتی اصولگرا و تشکل‌های جدید انقلابی گردهم آمده و با همدیگر حرکت و کار می‌کنند، جلساتی هم در این راستا برگزار شده است. فولادگر دقیقا نگفته است مقصودش از تشکل‌های سنتی چیست و انقلابی‌ها کیستند؟ آیا مقصودش از سنتی‌ها جامعتین (جامعه روحانیت و مجمع مدرسین) و مؤتلفه است؟ انقلابی‌ها پس کیستند؟ آیا مقصودش از انقلابی‌ها جبهه پایداری و جریان قالیباف و احمدی‌نژادی‌ها هستند؟!

فولادگر گفته است جلسات این جبهه فراگیر چندی است که تشکیل شده؛ جبهه‌ای که فراتر از جمناست و افرادی مانند قالیباف و حدادعادل و بسیاری از نیروهای اصولگرا هم در آن حضور دارند. ممکن است اشاره فولادگر به «شورای وحدت» باشد. شورایی که گفته می‌شد با حضور چند نفر از سران یا چهره‌های اصلی جریان اصولگرایی در یک سال گذشته چراغ‌خاموش برگزار می‌شده، اما اصولا محتوا و برنامه‌هایش رسانه‌ای نمی‌شد. برخی از اصولگرایان می‌گفتند جمنا قرار است بازوی اجرائی شورای وحدت باشد؛ اما دست آخر با انتصاب آیت‌الله رئیسی به ریاست قوه قضائیه و خروج او از این شورا اعلام شد که جلسات آن هم تعطیل شده است.

محمدباقر قالیباف هفته گذشته با انتشار یک فایل ویدئویی نشان داد می‌خواهد آتش‌به‌اختیارانه مسیر خود را در انتخابات آتی از اصولگرایان جدا کند و منتظر جمنا و شورای وحدت و سایر بازی‌های ائتلافی اصولگرایان نیست؛ اما به نظر می‌رسد این چیزی نیست که اصولگرایان تمایل داشته باشند رخ بدهد. آنها غافلگیری خود را از این اقدام قالیباف مخفی می‌کنند تا جایی که فولادگر درباره اقدام قالیباف هم گفته است: «حرکت آقای قالیباف هماهنگ شده و اقدامی جدا از نیروهای اصولگرا و انقلابی نبوده است، البته ایشان به‌عنوان چهره باسابقه کار اجرائی می‌تواند جداگانه اقداماتی انجام دهد، ولی مشخصا بیانیه اخیر حرکتی موازی با جمنا و جریان اصولگرایی و نیروهای انقلابی نبوده است. آقای قالیباف با اصولگرایان هماهنگی‌های لازم را انجام داده و این بیانیه را صادر کرده است، موضوع مهمی که باید دنبال شود، فراهم‌شدن زمینه حضور نیروهای جوان در انتخابات است؛ البته این بدان معنا نیست که افراد باتجربه در مجلس شورای اسلامی حضور نداشته باشند».

قالیباف هفته گذشته کلید انتخابات مجلس را با یک فراخوان متفاوت زد تا رسما اعلام کند در مسیری جدا از یاران اصولگرایش وارد بازی قدرت خواهد شد. او می‌خواهد عِده و عُده خودش را با محوریت حزب پیشرفت و عدالت اسلامی و با جوانانی که تاکنون سهمی از فضای سیاست و قدرت نداشته‌اند، جمع آورد.

مشخص است که او بعد از مجلس چشم به انتخابات ریاست‌جمهوری دوخته و از حالا اعلام کرده که سفره خودش را از اصولگرایان جدا می‌کند. اصولگرایانی که در بزنگاه انتخابات او را به میدان بازی رقابت سیاسی می‌کشند، اما در لحظه حساس نهایی او را کنار می‌گذارند.

پیام ویدئویی قالیباف برخلاف ظاهر آن نه خطاب به جوانان اصولگرا یا حتی غیراصولگرا، بلکه در اصل خطاب به رأس تصمیم‌گیر جریان اصولگرایی است با این محتوا که او دیگر قرار نیست وارد بازی از پیش تعیین‌شده آنها شود، حالا این اوست که می‌خواهد بازی‌چین شود و عزمش هم برای برد جزم است.

او دو سال پیش، بعد از کناررفتن به نفع رئیسی و بعد از باخت اصولگرایان در انتخابات ریاست‌جمهوری، نامه‌ای سرگشاده منتشر کرد و در آن از «نواصولگرایی» نام برد. او در آن نامه نوشته بود که امیدی به رأس جریان اصولگرایی نیست. بنا به گفته او این رأس دچار اختلال شده که نتیجه تصمیم‌هایش شکست انتخاباتی است. پس راهکار، به نوشته شهردار سابق تهران در آتش‌به‌اختیار عمل‌کردن جوانان اصولگراست.

به جز قالیباف چندی قبل بخشی از اصولگرایان حاشیه‌نشین‌تر و منتقد جریان اصلی هم اعلام کرده بودند که زیر بار تصمیماتی که در رأس این جریان گرفته می‌شود، نمی‌روند و برای انتخابات بعدی به صلاح و شیوه خود جلو خواهند رفت. حسن بیادی، دبیرکل جمعیت آبادگران و رئوفیان، دبیرکل حزب اسلامی ایران‌زمین، با چند نفر دیگر جبهه‌ای به نام «جبهه پیشرفت، رفاه و عدالت» راه‌اندازی کرده‌اند و احتمالا آنها هم مانند قالیباف آتش‌به‌اختیارانه وارد بازی انتخابات آتی خواهند شد. محمدجواد محمدی‌نوری، دبیر این جبهه، گفته بود: «هیچ وجه مشترکی با برادران اصولگرای جمنا نداشته و نداریم و میان ما فاصله وجود دارد؛ زیرا آنها فردمحور بوده و اعتقادی به خرد جمعی ندارند. تصمیمات آنها متعلق به جناح خاصی در حاکمیت است و از جای دیگر گرفته می‌شود و در آنها فرهنگ سیاسی تحزب معنایی ندارد. عملکرد آنها را در انتخابات مجلس و ریاست‌جمهوری دیدیم، آنها حتی به مصوبات خودشان هم پایبند نیستند».

قالیباف هفته گذشته کلید انتخابات مجلس را با یک فراخوان متفاوت زد تا رسما اعلام کند در مسیری جدا از یاران اصولگرایش وارد بازی قدرت خواهد شد. او می‌خواهد عِده و عُده خودش را با محوریت حزب پیشرفت و عدالت اسلامی و با جوانانی که تاکنون سهمی از فضای سیاست و قدرت نداشته‌اند، جمع آورد

بیادی به‌تازگی به «شرق» هم گفته بود: «به نظر من یک شکاف عمیق بین گروه‌های واقعی اصولگرا و گروه‌های تمامیت‌خواه وجود دارد. متأسفانه گروه‌هایی وجود دارند که چون به مبادی قدرت و ثروت متصل هستند، از طریق تمامیت‌خواهی اقدامات خود را پیش می‌برند. در انتخابات گذشته مجلس که فهرست اصولگراها رأی نیاورد، باید گفت که باندهای متصل به قدرت و ثروت این فهرست‌ها را هدایت می‌کردند». این در حالی است که حزب مؤتلفه هم برای چندمین بار گفته در انتخابات مجلس آتی با فهرست حزبی خواهد آمد.

ناکامی در جمنا، بازی با یک نام جدید

نخستین‌بار دی ۹۶ بود که جبهه نیروهای مردمی انقلاب اعلام موجودیت کرد؛ مجموعه‌ای که مدعی بود قرار است چتری باشد گسترده بر سر اصولگرایان؛ چتری که البته از همان ابتدا فراگیری لازم را نداشت. جمنا را همان جماعت راه انداخت و با همان سازوکاری بود که ائتلاف بزرگ اصولگرایان را برای انتخابات مجلس دهم راهبری می‌کرد. شیوه انتقادات به هر دو هم یکی بود؛ از اینکه برخی چهره‌ها یا جریان‌ها دنبال سهم‌خواهی بودند. به طور مشخص جریان‌هایی مانند جبهه پایداری و جریان‌های نزدیک به آن سهم بیشتری از وزن و پیشینه خود دریافت کردند. خود اصولگرایان اذعان کرده‌اند که وزن‌کشی‌ها منطقی نبود؛ یعنی برخی طیف‌های اصولگرا عملا نقشی را ایفا کردند که خیلی بیشتر از وزن‌شان بود. در نتیجه همین تصمیمات بود که برخی مانند حسن غفوری‌فرد در اعتراض به کنارماندن از فهرست نهایی اصولگرایان برای انتخابات مجلس به قهر از آنها جدا شدند و با فهرستی دیگر وارد عرصه انتخابات شدند. سخنگوی جامعه روحانیت مبارز هم بعدا گفت ما در جامعه می‌دانستیم که این فهرست رأی نمی‌آورد؛ اما چاره‌ای جز تمکین از نظر جمنا نداشتیم. در انتخابات ریاست‌جمهوری هم وقتی قالیباف به نفع رئیسی کنار رفت، اعتراضات به‌ویژه از ناحیه حامیان قالیباف شروع شد. آنها می‌گفتند که نظرسنجی‌ها حاکی از این بوده که قالیباف جلوتر از رئیسی بوده؛ اما چون انتخابات نیاز به یک شوک داشت و رئیسی هم حاضر به کناره‌گیری نبود، در نهایت قالیباف با ایثار خود این شوک را ایجاد کرد. بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری هم محمدرضا باهنر، دبیرکل یک جبهه اصولگرایی دیگر هم که این روزها تقریبا غیرفعال است (جبهه پیروان خط امام و رهبری) بارها گفته که ساختار جمنا باید تغییر کند. در پی همه این انتقادات بود که بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری و موفق نبودن جمنا، شورای وحدت اصولگرایان با محوریت ابراهیم رئیسی آغازبه‌کار کرد؛ شورایی که بنا داشت با جذب همه احزاب همسو در جریان اصولگرایی از اختلافات کاسته و بر اشتراکات بیفزاید که البته با انتصاب ابراهیم رئیسی به‌عنوان رئیس قوه قضائیه آتش فعالیت شورای وحدت بیش‌ازپیش فروکش کرد.

این روزها و با نزدیک‌شدن به انتخابات ۹۸ بار دیگر نام شورای وحدت اصولگرایان به ریاست حدادعادل بر سر زبان‌ها افتاده است؛ شورایی بدون رئیسی، احتمالا مقصود فولادگر از جبهه‌ای فراگیرتر از جمنا همان شورای وحدت است که گفته می‌شود در حال تدوین سازوکاری برای وحدت و ائتلاف و ارائه فهرست واحد در انتخابات پیش‌رو برای اصولگرایان است تا با ترکیب جدیدی از نیروهای انقلابی و ارزشی وارد انتخابات شوند؛ اگرچه در روزهای ابتدایی نام برخی چهره‌ها مانند قالیباف، محسن رضایی و سعید جلیلی در جلسات این شورا مطرح بود؛ اما به نظر می‌رسد قالیباف با فراخوانی که به‌تازگی داد، عملا راه خود را از این شورا جدا کرده باشد؛ شورایی که به نظر می‌رسد شالوده اصلی آن را همان جمنایی‌ها تشکیل می‌دهند و حدادعادل هم نقش محوری در آن دارد. همان کسی که سخنگوی ائتلاف اصولگرایان در انتخابات مجلس دهم بود و نقشی تعیین‌کننده در خروجی فهرست انتخابات مجلس تهران در آن سال داشت. فهرستی که از ورود به مجلس بازماند و حاشیه و دلخوری زیادی هم به بار آورد.

نگاهی به برخی ائتلاف‌های گذشته اصولگرایان

جبهه مردمی نیروهای انقلاب، جمنا یا همان جبهه مردمی نیروهای انقلاب آخرین تشکل انتخاباتی به‌ثمرنشسته اصولگرایان بود که حرف و حدیث هم زیاد به دنبال داشت. اینکه نتوانسته جامع همه جریان‌های اصولگرایی شود یا فرایند انتخابات و حضور در آن دموکراتیک نبوده و برخی جریان‌ها دست بالاتری در آن داشته‌اند. شورای وحدت اصولگرایان، «شورای وحدت» آخرین ورژن ائتلافی اصولگرایان است که البته هنوز به ثمر ننشسته و خروجی‌ای نداشته است. گفته می‌شد علیرضا زاکانی به عنوان بازوی اجرائی این شورا وظیفه جمع‌کردن اصولگرایان را برعهده گرفته است و حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی، محمدباقر قالیباف، سعید جلیلی و محسن رضایی نقش محوری جلسات را بر عهده دارند. با خروج آیت‌الله رئیسی از این جبهه به نظر می‌رسد حدادعادل به شخصیت محوری آن تبدیل شده است.

جبهه پیروان خط امام و رهبری، جبهه پیروان خط امام و رهبری به تقلید از جریان نیروهای خط امام متعلق به جریان چپ مذهبی دهه ۶۰، در دهه ۸۰ و پس از روی کارآمدن دولت اصلاحات تشکیل شد. اصولگرایان در خلأ حضور در قدرت نیاز به هم‌گرایی داشتند و جبهه پیروان را با ریاست حبیب‌الله عسگراولادی تشکیل دادند. جبهه پیروان هیچ وقت در جریان اصولگرایی، به مرکز ثقل تبدیل نشد و همان میزان اثرگذاری‌اش هم وابسته به شخصیت دبیرکلش یعنی حبیب‌الله عسگراولادی بود. بعد از فوت او این سمت به محمدرضا باهنر رسید درحالی که جبهه پیروان خط امام و رهبری مدعی بزرگ‌ترین جبهه اصولگرایی با شمولیت ۱۷ حزب و گروه اصولگراست اما در بزنگاه‌های سیاسی هیچ وقت منشأ اثر نبوده است و اصولگرایان در آستانه هر انتخاباتی دست به دامان سازوکاری دیگر شده‌اند.

شورای هماهنگی نیروهای انقلاب، بعد از روی‌کارآمدن دولت اصلاحات و تحولات ناشی از به قدرت‌رسیدن اصلاح‌طلبان از سال ۱۳۷۹ فعالیت خود را آغاز کرد تا تحرکات سیاسی اصولگرایان را ساماندهی کند. این شورا در انتخابات شورای شهر دوم با تابلوی ائتلاف آبادگران ایران اسلامی وارد عرصه شد که اکثریت کرسی‌های شوراها در اختیار اصولگرایان قرار گرفت و در انتخابات مجلس هفتم نیز در تهران با همین تابلو و در شهرستان‌ها با عناوینی همچون «آفتاب» و «سهند» وارد میدان شد که اکثریت کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص داد. اما بزرگ‌ترین ناکامی شورای هماهنگی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ رقم خورد که نتوانست به وحدت میان اصولگرایان منجر شود و آنها در آن انتخابات با چند نامزد وارد عرصه شدند. ریاست این شورا با ناطق‌نوری بود که می‌خواست نقش زعیم اصولگرایان را ایفا کند و در پشت صحنه به سیاست‌ورزی بپردازد. اما مشخصا جامعه روحانیت مبارز که تا پیش از این محوریت انتخابات را برعهده داشت و ناطق هم عضوی از آنها بود، چندان از این اتفاق خشنود نبود. اختلافات ناطق‌نوری و جامعه روحانیت مبارز هم از همان‌جا آغاز شد. ناکامی شورای هماهنگی در نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، باعث شد فعالیت شورا در سراسر کشور تعطیل اعلام شود.

جبهه متحد اصولگرایان، بعد از شکست شورای هماهنگی نیروهای انقلاب در انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۴ و در آستانه انتخابات مجلس هشتم به پیشنهاد حبیب‌الله عسگراولادی و با دعوت محمود احمدی‌نژاد، جبهه متحد اصولگرایان شروع به فعالیت کرد. این جبهه متشکل از سه ضلع جبهه پیروان خط امام و رهبری، جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و ائتلاف رایحه خوش خدمت بود. منتقدان جبهه متحد اصولگرایان، همواره از دولتی‌بودن و انحصارطلبی آن انتقاد می‌کردند. جبهه متحد بار دیگر پیش از انتخابات مجلس نهم هم تشکیل شد. از یک سال پیش از آن، اقداماتی از سوی جامعه روحانیت مبارز تهران و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای تعیین سازوکاری برای ایجاد وحدت رویه در بین اصولگرایان در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی صورت پذیرفت. نتیجه این اقدامات با محوریت آیت‌الله مهدوی‌کنی، دبیر کل جامعه روحانیت، به شکل‌گیری جبهه متحد با فرمول ۷+۸ منجر شد که در آن هفت نفر به عنوان کمیته داوری و هشت نفر به عنوان نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی در آن حضور داشتند تا از طریق جلسات این کمیته، فهرست انتخاباتی اصولگرایان در شهرستان‌های مختلف کشور تعیین شود. علی‌اکبر ولایتی سخنگوی این جبهه بود. تقریبا نزدیک به ۷۰ درصد فهرست این جبهه موفق به ورود به انتخابات مجلس نهم شد. شکاف در جبهه این بار هم خودش را نشان داد و در فاصله زمانی دو ماه مانده به انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و در حالی که اخبار خوشی از وحدت میان جریانات اصولگرایی از طرفین جبهه متحد و جبهه پایداری به گوش می‌رسید، به‌ناگاه انتشار فهرستی با عنوان جعلی نامزدهای جبهه متحد اصولگرایان در شماره سی‌وهفتم نشریه ۹ دی متعلق به حمید رسایی، عضو جبهه پایداری، باعث شدت‌گرفتن شکاف دوباره میان اصولگرایان شد.

جبهه یکتا خردادماه ۸۴ با یاران و وزیران سابق احمدی‌نژاد رونمایی شد؛ مشخص بود که دورنمای آن تسخیر مجلس دهم است. همه آنهایی که میراث هشت سال گذشته را برای احمدی‌نژاد گذاشتند و به نام او ثبت کردند، دوباره پا به میدان گذاشتند؛ از حسینی، وزیر ارشاد احمدی‌نژاد که بعدا خودش عضو جبهه مردمی نیروهای انقلاب یا همان جمنا شد تا زاهدی و دانشجو وزیران علوم احمدی‌نژاد، حاجی‌بابایی، وزیر آموزش و پرورش، نجار وزیر کشورش، محمدعلی رامین، معاون مطبوعاتی‌اش، میرتاج‌الدینی، بذرپاش، زریبافان و خیلی‌های دیگر در این جمع حضور داشتند. آنها آن روز اصرار داشتند «یکتا» ارتباطی به احمدی‌نژاد ندارد. جبهه یکتا همه تلاشش را کرد تا در انتخابات مجلس گذشته سهمی از فهرست اصولگرایان ببرد. در تهران سهمی به آنها نرسید اما برخی اعضایش از شهرستان‌ها به مجلس راه یافتند. بسیاری از اعضای یکتا بعدا به جمنا پیوستند. مدت‌هاست از جبهه یکتا خبری نیست و اصولا گویا کاملا به محاق انحلال رفته است.

او با ماست

فیروز گوران، از سرآمدان روزنامه‌نگاری معاصر ایران، پس از سال‌ها تلاش بی‌وقفه برای خدمت به مردم و مطبوعات، قلم از دست گذاشت. فیروز گوران روزنامه‌نگاری شجاع، شریف، حقیقت‌جو راست‌گفتار و درست‌کردار بود.نام و خاطره او در تاریخ مطبوعات سرزمینی که عاشق‌اش بود همیشه زنده خواهد ماند.

کمال آقایی، مرتضی ابوترابی، داود اسماعیلی، حسین‌علی افخمی، احمد بشیری، محمد بلوری، بهروز بهزادی، علی پاداش ناصرتجاره، نسرین تخیری، شاهرخ تویسرکانی، غلامرضا ثریا، منوچهر ثقفی، احمد توکلی، اسماعیل جمشیدی، ابراهیم حقیقی، هادی خانیکی رضا خجسته‌رحیمی، مسعود خرسند، تقی خلج، آرش خوشخو، مسعود خیام، عذرا دژم‌تباه، جواد دلیری، علی دزقانی، همایون دزقانی، پژمان راهبر لیلا رستگار، خلیل رستم‌خانی، ابراهیم رستمیان، بهمن رضایی، مجید رضائیان، حسن رمضان‌زاده، سیما سلامت‌بخش، حسن سیدین، مریم شبانی، مجید شفتی یونس شکرخواه، ماشاءالله شمس‌الواعظین، شهریار شمس مستوفی، منوچهر شمس مستوفی، فرج‌الله صبا، فریدون صدیقی، اسماعیل عباسی، فروزان عبدالوهابی عباس عبدی، محمدرضا عدل، محمدرضا عشقی، سیروس علی‌نژاد، یزدان علی‌نژاد، احمد غلامی، لیلی فرهادپور، امرالله فرهادی، گیسو ففغوری، محمد قائد سیدفرید قاسمی، علی‌اکبر قاضی‌زاده، محمد قوچانی،رضا قوی فکر، کامران کاتوزیان، مهران کرمی، نصرالله کسرائیان، هوشنگ گلمکانی، غلامعلی لطیفی جواد مجابی، شهرزاد مشاور، پژمان موسوی، ناهید موسوی، مسعود مهاجر، مسعود مهرابی، محسن میرزایی، احمد میرعابدینی، حسن میرعابدینی، بیژن نفیسی عمید نائینی، کیومرث نائینی، حسن نمک‌دوست تهرانی، کامبیز نوروزی، عباس یاری.

آینه

کیهان

فجرپنج‌شنبه، به‌وقت ایران، تغییر معادله

• دنیا متوجه شد وقتی همه مخالفان ایران هم در کاخ سفید جمع می‌شوند قادر به اقدام عملی علیه ایران نیستند و ایران می‌تواند همه آنان را به انزوا ببرد. ترامپ اما برای حفظ آبرو گفت نتیجه جلسه رهبران آمریکا، تصمیم به حمله به سه نقطه در ایران بوده که او به‌خاطر ملاحظات انسانی، ده دقیقه قبل از آغاز عملیات، ارتش را از اجرای آن بازداشته است و «جان بولتون» گفت برای پاسخ‌دادن به ایران به تل‌آویو می‌رود و این درحالی است که رژیم اسرائیل بارها از آمریکا خواسته بود به تلافی اقدامات ضد اسرائیلی، نقاطی از ایران را مورد حمله قرار دهد!... ماجرای روز پنج‌شنبه می‌تواند، یک تحول اساسی در وضع منطقه هم پدید آورد اینک سعودی‌ها، امارات و... باید دریافته باشند، آمریکا نمی‌تواند کمکی به آنها بکند این آنان هستند که باید با «واقعیت منطقه» کنار بیایند و سرمایه‌های خود را هدر ندهند.

اعتماد

سقوط به مثابه نقطه عطف

• **کوروش احمدی:** ریاست‌جمهوری ترامپ تاکنون با تناقضاتی از نوع فوق مواجه بوده است. اما سرنگونی پهپاد بارزش امریکایی او را بر سر یک دوراهی سرنوشت‌ساز قرار داده است. از یک سو اکنون اعتبار و حیثیت او و آینده نفوذ امریکا در منطقه در میان است و از سوی دیگر سرنوشت مبارزات انتخاباتی که اتفاقا یک روز قبل از سقوط پهپاد شروع آن را کلید زده بود. روشن است که اکنون از سوی متحدان منطقه‌ای و در راس آنها اسراییل برای پاسخ به این اقدام ایران تحت فشار است. آنها پیش از این «مکث» امریکا را مخرب توصیف کرده‌اند و مدعی‌اند که ادامه این «مکث» خسارات جبران‌ناپذیری برای آینده امریکا در منطقه خواهد داشت. از سوی دیگر، از قطعا واقف است که «قضیه ایران» می‌تواند نقطه ضعف بزرگی برای او در مبارزات انتخاباتی پیش رو باشد. توصیف شرایط موجود به «فاجعه خودساخته» توسط جو بایدن، رقیب پیشتاز او، گویای خط مشی رقبای انتخاباتی او در آینده است. بایدن در واقع از این طریق یادآوری می‌کند که خروج بی‌دلیل و بی‌معنی ترامپ از برجام و «فشار حداکثری» کذایی نمی‌توانست حاصلی جز این برای او داشته باشد و این یعنی وضعیت دو سر باخت برای ترامپ.

ایران

پاسخ به آمریکا؛ از خیال تا واقعیت

• **کسری نوری، روزنامه نگار:** ما در یک روز با دو نوع پاسخ به امریکا مواجهیم، اما واقعیت اینجاست همانقدر که شلیک به پهپاد امریکایی یک پاسخ تمام‌عیار است (فرستنده و گیرنده پیام و مضمون پاسخ هم مشخص است) اما آنچه رئیس دولت سایه تصور کرده‌اند نه یک پاسخ که دقیقاً از جنس تصور ارسال پاسخ به امریکا است، چون نه امریکایی‌ها حرف ایشان را به مثابه پاسخ تلقی می‌کنند و نه در داخل کسی این سخنان را از جنس پاسخ به امریکا ارزیابی کرد. موضوع وقتی خطرناک و در «تزاحم با منافع ملی» دیده می‌شود که کسی یا کسانی خیال کنند در حال تدارک‌دیدن پاسخ به امریکا هستند اما در عمل بدترین ضربه‌های ممکن را به ستون مقاومت ملی در عرصه تحریم وارد کنند، در دوره تحریم‌های اخیر ما با پدیده‌های تازه‌ای هم در ساختار سیاست‌ورزی داخلی مواجهیم؛ یکی از مصادیق آن، نوعی همراستایی نانوشته و طبیعتاً «ناخواسته» میان محفل سیاسی مشخصی در ایران با حلقه ضدایرانی کاخ سفید و کشورهای منطقه است که هر دو جریان در داخل و خارج با تدارکی وسیع درصدد از کارانداختن کلیدی‌ترین ماشین ضدتحریمی ایران یعنی بخش نفت هستند، قطعاً هیچ ایرانی در این شرایط از بولتون و نتانیاهو و بن سلمان توقع دست‌برداشتن از دشمنی آشکار ندارد...

همشهری

ریشه همه جنگ‌ها

• **عباس آخوندی، وزیر سابق راه و شهرسازی:** این بحث بسیار مطرح می‌شود که هرچه ایران فقیرتر شود، منطقه ناامن‌تر می‌شود. این حرف کاملا درستی است و کشورهای منطقه نباید از فقر ایران خوشحال شوند اما این به دیالوگ ایران هم وابسته است. اسرائیل مشتاق آشوب در منطقه است و رفتار ما در گفت‌وگو با کشورهای همسایه، مانع این خواسته است. یقینا ایران قدرتمند و ثروتمند در خاورمیانه بیشتر می‌تواند به امنیت منطقه کمک کند. در منطقه ما کشورهایی که از نظر ژئوپلیتیک، عمق نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارند، ایران، ترکیه و عربستان هستند. آنچه می‌تواند امنیت این کشورها را برقرار کند، تعادل قدرت اقتصادی و سیاسی نسبی بین این کشورهاست. یقینا اگر این تعادل به هم بخورد، طمع برای پیشروی یکی از طرفین بیشتر می‌شود و با پی‌جویی نخستین طمع، تعادل به هم می‌خورد. همان‌طور که در دوره عثمانی، عثمانی‌ها منطقه را با ناامنی مواجه کردند. در مقطعی وهابیت وارد عمل شد و در شرایط فعلی نیز منطقه ما یکی از مراکز اصلی شکل‌گیری گروه‌های تروریستی است؛ درحالی‌که اگر ایران از نظر اقتصادی مقتدر بود، چنین اتفاقی رخ نمی‌داد.